

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

فروسی

www.ketab.ir



فارسى نژادى

محمود رنجبر

عضو هیات علمی دانشگاه گیلان

سرشناسه	: رنجبر، محمود ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور	: فارسی عمومی / محمود رنجبر
مشخصات نشر	: رشت: کادوسان، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	: ۱۸۰ صفحه
شابک	: 978-622-6206-22-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: ادبیات فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian literature--Collections
موضوع	: شعر فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: Persian poetry--Collections
رده بندی کنگره	: PIR۴۰۰۵
رده بندی دیویی	: ۸۰۸ / ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۹۴۱۰۴



عنوان کتاب:	فارسی عمومی
مؤلف:	دکتر محمود رنجبر
ناشر:	کادوسان. رشت
چاپ:	لاله
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۸
شمارگان:	جلد ۱۰۰۰
قیمت:	چهل هزار تومان
شابک:	ISBN:978-622-6206-22-8

نشانی انتشارات: رشت - گلزار - جنب بانک مسکن - مجتمع تجاری گلزار
تلفن: ۰۱۳-۳۲۱۱۷۱۰۳ همراه: ۰۹۱۱۱۴۸۵۴۲۶

نشانی مؤلف: mamranjbar@gmail.com
@mamranjbar

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ است و هر گونه روگرفت به موجب قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مناجات
۲.....	به سوی خدا
۳.....	امین وحی
۵.....	نگاهی به اصلاح ادبیات
۷.....	زبان از سربرداشتن
۱۳.....	مقدمه‌ای بر تاریخ ادبیات فارسی
۱۹.....	مراحل تاریخی پدایش انواع ادبی
۲۱.....	سبک‌های شعر فارسی
۲۳.....	رودکی
۲۶.....	فردوسی
۳۱.....	فرخی (خزان)
۳۲.....	منوچهری (بهار)
۳۲.....	رباعه قزدار
۳۳.....	عطار (بی‌قراران)
۳۴.....	خیام
۳۸.....	سنایی
۴۱.....	نثر سبک خراسانی
۴۵.....	سبک آذربایجانی
۴۷.....	سبک عراقی
۴۸.....	سعدی (عشق و درویشی)
۴۹.....	مولوی
۵۰.....	أفاق عرفان مولانا
۵۲.....	مثنوی
۵۴.....	غزل مولانا
۵۵.....	نثر مولوی
۵۷.....	حافظ
۵۸.....	نثر سبک عراقی

۶۲.....	سبک هندی
۶۶.....	صائب
۶۷.....	بیدل دهلوی
۶۸.....	سبک بازگشت
۶۹.....	فروغی بسطامی
۷۰.....	قائمی
۷۰.....	سروش اصفهانی
۷۱.....	شعر امروز فارسی
۷۵.....	ملک الشعرای بهار
۷۶.....	پروین (آیین آینه)
۷۷.....	رهی معیری (جهان بگشایم)
۷۷.....	مهدی حمیدی شیرازی (قوی زیاده)
۷۸.....	پرویز ناتل خانلری (عقاب و کلاغ)
۸۱.....	غلامحسین یوسفی (بر بالین مادرم)
۸۲.....	هوشنگ ابتهاج (کنار امن)
۸۲.....	شهریار (شیدایی و شوریدگی)
۸۳.....	حسین منزوی (ره زندگی)
۸۳.....	قیصر امین پور (لحظه های کاغذی)
۸۱.....	نکاتی در باره شعر نو
۸۷.....	نیما (ری را - می ترواد مهتاب)
۸۹.....	احمد شاملو (در آواز خونین گرگ و میش)
۹۱.....	نگاهی به رویکرد زبانی شاملو
۹۵.....	مهدی اخوان (زمستان)
۹۶.....	درنگی بر زمستان
۱۰۱.....	سهراب سپهری (سوره تماشا)
۱۰۳.....	فروغ فرخزاد (فتح باغ)
۱۰۲.....	فریدون مشیری (کوچه)
۱۰۷.....	شفیعی کدکنی (آهو بره اندیشه)
۱۱۰.....	خاطره نویسی
۱۱۵.....	طنز

۱۲۳.....	نامه اداری (طنز)
۱۲۴.....	کاریکلماتور
۱۲۹.....	نامه نویسی اداری
۱۳۷.....	داستان نویسی
۱۳۸.....	صادق چوبک (عدل)
۱۴۰.....	محمود دولت آبادی (آینه)
۱۴۴.....	بیژن نجدی (گیاهی در قرنطینه)
۱۴۹.....	جلال آل احمد (سه تار)
۱۵۲.....	لوئیجی پیراندللو (جسم)
۱۵۶.....	کمینہ گرابی در داستان نویسی معاصر
۱۶۱.....	غزل معاصر
۱۶۴.....	برخی مسائل ویرایشی
۱۷۰.....	رمان چیست
۱۷۳.....	ویژگی های یک مقاله علمی



اگر همه شب به جای تماشای تلویزیون، دقت مطالعه کنید، سالی حدود پانزده کتاب را می خوانید. اگر روزی پانزده دقیقه ادبیات کلاسیک بخوانید، در مدت هفت سال، صد کتاب بزرگ ادبیات کلاسیک را خواهید خواند. این گونه تبدیل به یکی از باسوادترین افراد در نسل خود می شوید. همه این ها با پانزده دقیقه مطالعه قبل از خواب حاصل می شود.



کتاب هدف - برایان ترسی

به سوی خدا ...

...ای خدای بزرگ جز آسمان جلال و جبروت تو پروازگاهی نخواهم داشت، به سوی تو می‌آیم تا برای همیشه در کنار تو باشم، مرا بپذیر، مرا از خود دور مکن، مرا از چشمه عشق خود سیراب نما، بگذار همچنان در آتش شور و شوق بسوزم. گناهانم را ببخش سستی‌ها و تقصیرم را ندیده بگیر. بگذار اکنون که به سوی تو می‌آیم با دامانی پاک و قلبی صاف و دلی امیدوار به سویت بیایم. خدایا، با تو می‌گفتم که از دوزخ تو وحشتی ندارم، به بهشت تو طمعی ندارم، مرا بسوزان، استخوان من را خاکستر کن و به باد بسپار. از تو هیچ گله‌ای نمی‌کنم. من عاشقم و محرک عشق من جز ذات تو نیست. من تاجر پیشه نیستم که در ازای عشق خود چیزی بطلبم. من عاشقم ولی امروز که مرا می‌سوزانی به شدت رنج می‌برم، به شدت می‌سوزم، تاب تحمل ندارم، احساس می‌کنم که ضایع می‌شوم، خجسته می‌شوم، ناچیزم، احساس می‌کنم که چقدر بزرگی، قدرت بی پایان است، به همه چیز دسترس دارم. به همه چیز قادر ما یشایی. احساس می‌کنم که چقدر مغرور بوده‌ام، چقدر در برابر تو اندک دردم دارم. چقدر هل من مبارزهای بی جا کشیده‌ام ... خدایا... از عمل بد آدم‌های شکست خورده درگاهت ... اما شکایتیم را پس می‌گیرم ... من نفهمیدم فراموش کرده بودم که با خلق کردی، تا هر زمان که دلم گرفت از آدم‌های ... نگاهم به تو باشد ...

گاهی فراموش می‌کنم که وقتی کسی کنار من نیست ... کنایش این نیست که تنه‌ایم ... معنایش این است که همه را کنار زدی تا خودم باشم ... با تو تنه‌ای معنای ندارد ... مانده‌ام تو را نداشتم چه کاری می‌کردم ...

خدایا، سراپای وجودم را بگیر. در عشق خود فرو بر، مرا با خود ببر، مرا از خود محو کن، بگذار که دیگری را دوست نداشته باشم، بگذار که پیش دیگری نسوزم، بگذار که یکسره در دلم تو باشم. درد عشق تو چقدر زیبا و جان افزاست. من آن را دوست دارم. هنگامی که در عشق تو می‌سوزم لذت می‌برم، تخلیه می‌شوم، به آسمان‌ها صعود می‌کنم، در قلب خود احساس انبساط می‌نمایم ولی اکنون به درد مهلکی گرفتار شده‌ام، عشق او چیزی جز رنج کدر، رنج کشنده، رنج پست کننده، رنج محو کننده، رنج کثیف چیز دیگری نیست. بگذار یکسره در تو فرو روم، بگذار یکسره بنده عاشق دلسوخته تو باشم، بگذار که عشق من به تو به نفع انسانیت تمام شود، بگذار که دردمندان، یتیمان، بیماران و محتاجان به عشق از محبت ابدی و بی‌پایانی که تو به من ارزانی داشته‌ای مستفیض گردند.